

آموزش تاریخ در علوم سیاسی (مطالعه موردی درس تاریخ تحولات ایران)

احمد گل محمدی

چکیده

مباحث تاریخی جایگاه برجسته ای در سطوح مختلف و گرایش‌های مختلف رشته علوم سیاسی دارد و محور شمار قابل توجهی از واحدهای درسی این رشته را تشکیل می‌دهد. چنین جایگاه و اهمیتی از آن رو است که تصور می‌شود به دلیل تاریخمندی نسبی هستی‌ها و پدیده‌های سیاسی، آموزش تاریخ می‌تواند به فهم هستی‌های سیاسی کمک کند. ولی یک مطالعه موردی که گزارش آن در این نوشتار می‌آید، نشان می‌دهد که علیرغم نوآوری‌ها و اصلاحات پراکنده و انفرادی، وجه غالب یا الگوی رایج آموزش تاریخ (معاصر ایران) در رشته علوم سیاسی چندان مناسب نیست. بی‌توجهی یا کم‌توجهی به اهمیت تاریخ برای رشته علوم سیاسی باعث شده است تا الگوی رایج آموزش تاریخ (معاصر ایران) و روایت ناشی از آن بی‌شبهت به نوعی گاهشمار محض نباشد. چنین روایتی عمدتاً کنجکاوی تاریخی خواننده را ارضا می‌کند و برای کمک به شناخت زندگی سیاسی چندان مناسب نیست.

با توجه به اهمیت و جایگاه برجسته تاریخ (معاصر ایران) در رشته علوم سیاسی، این پرسش اهمیت می‌یابد که آنچه معمولاً در قالب واحدهای درسی مربوط به تاریخ معاصر ایران آموزش داده می‌شود تا چه اندازه برای دانشجویان این رشته مناسب و سودمند

است؟ بی گمان برای دادن پاسخ معتبر به این پرسش، باید به دو پرسش دیگر پاسخ داده باشیم که اولاً، آموزش مناسب و سودمند برای دانشجویان رشته علوم سیاسی چگونه باید باشد؟ ثانیاً، آنچه معمولاً در قالب واحدهای درسی مربوط به تاریخ معاصر ایران آموزش داده می‌شود چه ویژگی‌هایی دارد؟ بنابراین، نخست می‌کوشیم تصویری از یک الگوی مناسب و معتبر آموزش تاریخ سیاسی برای رشته علوم سیاسی ترسیم کنیم. سپس، الگوی رایج و غالب آموزش تاریخ سیاسی ایران در این رشته را بازشناسی و نقد خواهیم کرد تا به پاسخ پرسش اصلی دست یابیم.

۱) الگوی مناسب آموزش تاریخ در رشته علوم سیاسی

برای این که بدانیم چه الگویی برای آموزش تاریخ برای دانشجویان علوم سیاسی مناسب است، نخست باید بدانیم که اساساً چرا چنین مباحث و موضوع‌هایی در این رشته تدریس می‌شود و تاریخ چه اهمیتی برای علوم سیاسی دارد (بنگرید به Tilly, 2006). قاعدتاً، پاسخ اصلی به پرسش از اهمیت آموزش تاریخ در رشته علوم سیاسی این است که آموزش تاریخ به درک هستی‌ها یا پدیده‌های سیاسی کمک می‌کند. به عبارتی، اگر هدف علم سیاست شناخت امر سیاسی یا هستی‌های سیاسی باشد، آموزش مباحث تاریخی به این شناخت کمک می‌کند. دانشجوی علوم سیاسی به این دلیل تاریخ می‌آموزد که سیاست را بهتر بشناسد، زیرا هستی‌های سیاسی بسترمند و تکرارپذیر هستند.

۱-۱) بسترمندی نسبی هستی‌های سیاسی

اکثر عالمان حوزه‌های مختلف همواره در جستجوی قوانینی بوده‌اند که همیشه و همه جا بر هستی‌های عالم حاکم باشد، و زمان و مکان نتواند حکمرانی آنها را محدود و مخدوش کند. تصور امکان دست‌یابی به چنین قوانینی بر این فرض هستی‌شناسانه استوار بوده است که هستی‌های عالم دارای ماهیت ثابت و در نتیجه نظم و قاعده ثابت هستند و می‌توان منطق حاکم بر این نظم و قاعده را یک بار برای همیشه کشف کرد و به علم مطلق رسید. هرچند این آرزو در رابطه با عالم طبیعت تا حدود زیادی جامه عمل پوشیده و دانشمندان حوزه‌های مختلف علوم طبیعی به موفقیت‌های چشمگیری دست یافته‌اند، دستاوردها در زمینه شناخت عالم انسانی اجتماعی چندان امیدوارکننده نبوده است